

ارجاع، پیوستگی درون مرجعی یک عنصر زبانی به عنصر زبانی دیگر در متن است. به طور معمولی، عنصر ارجاع دهنده به لحاظ صورت و نقش با عنصر مرجع تفاوت دارد؛ در واقع عنصر ارجاع دهنده راهنمایی است برای اطلاع یافتن از جایی دیگر که مرجع باشد. ارجاع بر سه گونه است: ارجاع ضمیری، ارجاع اشاره‌ای، ارجاع مقایسه‌ای.

ارجاع ضمیری از طریق نقش دستوری مقوله شخص صورت می‌گیرد و نمودی سه گانه دارد: ضمیرهای شخصی (جدا)، ضمیرهای پسوندی (پیوسته) و پایانه‌های شخصی (پیوسته) که در ضمن مقاله در این باره توضیحی کامل داده شده است.

در ارجاع اشاره‌ای، عنصر ارجاع دهنده کلمات اشاره‌ای است. در زبان فارسی، واحدهای اشاره‌ای دو گونه است: اشاره‌ای ساده و اشاره‌ای مرکب. نویسنده با ذکر مثالهایی اشاره‌ایهای مفرد و جمع، اشاره‌های معرفه، اشاره‌ایهای زمانی و مکانی، اشاره‌ایهای ساختاری و اشاره‌ای گسترده را توضیح داده است.

ارجاع مقایسه‌ای، ارجاعی از طریق بیان همسانی و همانندی است. واحدهای ارجاع مقایسه‌ای در زبان فارسی اندک و برخی از آنها عبارت است از: دیگر، اخیر، آخرین، همچو، همچی، همچو (در محاوره) و بهتر و بیشتر برای قیدها و صفتها.

عنوان مقاله: آموزش زبان فارسی در دانشگاه صنعا

نویسنده: شاهرخ محمد بیگی

مأخذ: نامه پارسی، س پنجم، ش سوم (پاییز ۱۳۷۹)، ص ۲۱۸ تا ۲۲۰

یمن از کشورهایی است که از ایران استاد زبان فارسی بدانجا اعزام می‌شود. در این کشور دانشگاه‌های بسیار وجود دارد که بر دو دسته‌اند: تعدادی از آنها حکومتی (= دولتی) و شماری از آنها اهلی (= خصوصی) است.

از جمله دانشگاه‌های حکومتی یمن دانشگاه صنعا در شهر صنعا پایتخت یمن است که سابقه آن به سال ۱۳۴۹ می‌رسد. این دانشگاه در حال حاضر چندین

دانشکده دارد: دانشکده شریعت و قانون، دانشکده آداب و تربیت، دانشکده علوم، دانشکده زبانها و...

قابل ذکر است که کلیه اللغات (دانشکده زبانها) که در سال ۱۳۷۶ رسماً شروع به کار کرده دارای چهارگروه است: بخش زبان عربی و ترجمه، بخش زبان انگلیسی، بخش زبان فرانسه و بخش زبان آلمانی.

تدریس زبان فارسی در گروه زبان عربی و ترجمه انجام می شود که دانشجویان آن برای فارغ التحصیل شدن در سطح کارشناسی ۱۵۰ واحد درسی را در مدت چهار سال می آموزند. از این ۱۵۰ واحد فقط ۱۲ واحد مربوط به زبان فارسی است که در سال اول و دوم تدریس می شود.

زبان فارسی در این دانشکده به عنوان زبان سوم، پس از زبان عربی و انگلیسی به دانشجویان تدریس می شود. آنچه می توان گفت این است که در مورد آموزش زبان فارسی در مقام زبان سوم کم لطفی شده و به نظر می آید که تدریس این زبان باید حداقل از ۱۲ واحد به ۲۴ واحد درسی افزایش یابد. در حال حاضر ۱۵۰ نفر از دانشجویان رشته زبان عربی و ترجمه به فراگیری زبان فارسی مشغول هستند و در سال آینده شمار آنان به ۳۰۰ نفر می رسد.

در پایان اصل مقاله پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت آموزش زبان فارسی در صنعا ارائه شده است؛ از جمله: تعدیل برنامه آموزشی رشته زبان عربی و ترجمه و گنجانیدن دروس بیشتری درباره زبان و ادبیات فارسی، ایجاد مرکز زبان و ادبیات فارسی در دانشکده زبانهای دانشگاه صنعا که مجهز به کتابخانه و امکانات سمعی و بصری باشد، اعطای هزینه تحصیل به وسیله دولت ایران به دانشجویان ممتاز عربی و ترجمه برای ادامه تحصیل در دوره های کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی و ایجاد ارتباط علمی و فرهنگی با دانشجویان ممتاز به صورت فرستادن کتاب و مجله و نوارهای آموزشی و دعوت از آنان برای آمدن به ایران.

عنوان مقاله: زبان فارسی و اعراب
نویسنده: محمدنورالدین عبدالمنعم، ترجمه عبدالکریم علی
جرادات
مآخذ: نامه پارسی، س پنجم، ش سوم (پاییز ۱۳۷۹)، ص ۴۲ تا ۷۱

این مقاله شامل چهار فصل و هر فصل نیز شامل بخشهایی است:
فصل اول: سرآغاز زبان فارسی، فصل دوم: تأثیر زبان عربی بر زبان فارسی که در این
فصل، کلمات عربی در زبان فارسی و تغییرات ایجاد شده در کلمات عربی رایج در
فارسی مورد بحث قرار گرفته است، فصل سوم: تأثیر زبان فارسی در عربی و
تغییراتی که در کلمات فارسی رایج در زبان عربی ایجاد شده، فصل چهارم: عربی
برای ایرانیان و فارسی برای عربها.

در فصل اول درباره وجه تسمیه زبان فارسی، گفته شده نام این زبان به اقلیم
فارس که اقلیم جنوبی ایران است نسبت دارد؛ همچنین چون که اولین مؤسس
اولین امپراتوری ایران، امپراتوری هخامنشی، کورش از اقلیم فارس برخاسته بود،
نام آن اقلیم از حیث نامگذاری جزء به کل به همه کشور ایران بخصوص به زبان
غلبه کرد.

در این فصل، همچنین به مراحل سه گانه زبان فارسی یعنی فارسی قدیم،
فارسی میانه و فارسی دری اشاره و تأکید شده است که در این مقاله به زبانی
پرداخته شده که بعد از ورود اسلام به ایران پیدا شد و از قرن سوم هجری تاکنون
زبان رسمی و ادبی این کشور به حساب می آید و به نامهای زبان دری یا نوین یا
فارسی اسلامی نامیده می شود.

فارسی دری یا نویسیاری از کلمات را از دیگر زبانهای ایرانی و غیرایرانی گرفته و
عربی مهمترین زبانی است که زبان فارسی از آن اقتباس کرده؛ هر چند اصل دوزبان
متفاوت است.

در فصل دوم یعنی تأثیر زبان عربی بر زبان فارسی چنین آمده است: زبان عربی
پس از فتوحات اسلامی در بین ساکنان ایران انتشار یافت و ایرانیها به دلیل اینکه آن

را زبان قرآن و دین جدید خود می دانستند به آن به دیده تقدس می نگریستند و در آموزش آن عمیق شدند.

در واقع عصر نهضت فارسی بر زبان فارسی خالص تکیه نداشت، بلکه نویسندگان و شاعران برخی از مفردات و عبارات را از عربی گرفتند و از قرآن کریم و احادیث شریف نبوی و ضرب المثلهای عربی اقتباس کردند و در شعر خود از بحرهای شعر عربی استفاده کردند و در آن تغییراتی دادند. به طوری که شاعر ایرانی بعد از اسلام، تا زمانی که به زبان عربی به طور کامل آشنایی نمی داشت یا اشعار عربی را حفظ نمی کرد، نمی توانست خوب به زبان فارسی شعر بسراید. در نتیجه این تأثیر زبان عربی و ادبیات آن، غیرممکن بود که نویسنده یا شاعر چیزی را به فارسی بنویسد یا منظوم سازد در حالی که نوشته اش عاری از لفظهای عربی باشد.

اولین نشانه های تأثیر زبان عربی پس از ورود ایرانیان به اسلام گذاشتن اسمهای عربی بر فرزندان بود. زبان عربی در طول مدت حکومت خاندانهای صفاری و سامانی و غزنوی از جهت ادبی و علمی زبان اول بود.

کتابهای نثر فارسی هم تحت تأثیر زبان عربی قرار گرفت، بویژه کتابهایی که از عربی ترجمه شده است؛ مانند ترجمه تاریخ طبری و ترجمه تفسیر طبری. در قرن چهارم هجری این تأثیر روز به روز افزایش یافت که تأثیر آن را در کتاب تاریخ بیهقی بروشنی می توان دید.

در ادامه مقاله از چند دانشمند ایرانی نام برده شده که کتابهای خود را به عربی نوشته اند؛ از جمله ابوعلی سینا که مشهورترین کتابهای عربی او الشفاء و القانون است و نیز ابوحامد غزالی که مهمترین اثر عربی او احیاء علوم الدین است. اغلب کتابهای خواجه نصیرالدین توسی نیز به عربی نوشته شده است. نویسندگانی که فارسی زبانی هم هستند که شهرت آنان به زبان عربی و ادبیات آن بیشتر از فارسی ارتباط دارد؛ از جمله صاحب بن عباد، عبدالقاهر جرجانی، جارالله زمخشری و بدیع الزمان همدانی.

تأثیر زبان عربی بر زبان فارسی در نقل جمله ها و عبارتهای عربی میان عبارات

فارسی ظاهر می‌شود، بویژه جمله‌های دعا و ذکر تاریخ به زبان عربی است نه فارسی. همچنین ایرانیان به ذکر آیات قرآن و برخی از احادیث و مثلثای عربی در کتابهای فارسی می‌پرداختند و برای کتابهای فارسی خود مقدمه‌ها و عناوین عربی می‌نوشتند.

نویسنده در بخش «کلمات عربی در زبان فارسی» عوامل ورود کلمات عربی در زبان فارسی را بر شمرده است؛ از جمله ورود دین اسلام باعث انتشار و نفوذ زبان و فرهنگ عربی در ایران شد؛ همچنین ایرانیان گاهی اوقات کلمه‌های عربی را بسیار ساده‌تر از کلمات فارسی قدیم یافتند. البته تأثیر زبان عربی منحصر به انتقال مفردات نبود، بلکه بیشتر از آن، دستور عربی در دستور زبان فارسی تأثیر گذاشت. ترجمه برخی از کتابهای عربی به فارسی نیز به انتقال مجموعه بزرگی از این کلمات به فارسی کمک شایانی کرد.

یکی دیگر از علت‌هایی که نویسنده برای رواج زبان عربی و ورود الفاظ عربی، بویژه در دوره‌های متأخر ذکر کرده، اهمیت دادن بسیار زیاد به زیباییهای لفظی است که شاعران و نویسندگان چاره‌ای جز کمک گرفتن از زبان عربی نداشتند، زیرا این زبان دریای غنی مفردات و مشتقات بود.

در بخش «تغییرات ایجاد شده در کلمات عربی رایج در فارسی»، این تغییرات در چهار مورد خلاصه شده است: ۱. تغییرات در تلفظ کلمات، ۲. تغییرات در معانی واژه‌ها، ۳. تغییرات در تلفظ و معنی، ۴. تغییرات در شکل و املا.

در فصل سوم مقاله درباره «تأثیر زبان فارسی در عربی» بحث و گفته شده است که در واقع زبان عربی از هیچ زبانی به اندازه زبان فارسی تأثیر نپذیرفته است. طبیعی است که تعداد لغتهایی که پس از اسلام وارد زبان عربی شده نسبت به لغتهای وارد شده قبل از اسلام بیشتر و تنوع آنها دامنه دارتر است.

برخی از مهمترین لغتها که قبل از اسلام یا در ابتدای آن وارد زبان عربی شده اداری است، مانند: الدیوان، الدهقان (الديهگان)، الفرسخ (فرسنگ)، و برخی دینی مانند: الجناح (گناه)، النبروز (نوروز) و برخی دیگر اسامی وسایل مربوط به اسباب و اشیای وارداتی. عربها بیشترین نامهای لباس و منسوجات، غذاها و انواع

اسلحه و فرش را از فارسی گرفتند.

نویسنده پس از بحث درباره تأثیر متقابل دو زبان عربی و فارسی، در فصل چهارم تحت عنوان عربی برای ایرانیان و فارسی برای عربها، دلایل و ضرورت‌هایی ذکر می‌کند که دو ملت را به تحصیل زبان همدیگر وامی‌دارد.

عنوان مقاله : همانندیهای زبانهای اردو و فارسی

نویسنده : خان محمد عامر

مأخذ : نامه پارسی، س پنجم، ش سوم (پاییز ۱۳۷۹)، ص ۷۲ تا ۹۱

زبان اردو نه تنها با زبان فارسی ارتباط دستوری دارد بلکه شصت درصد از لغات آن از فارسی و عربی گرفته شده و شیوه گفتارش نیز فارسی است.

از آمیزش زبان فارسی و پنجابی زبانی نوبه وجود آمد که نخست آن را به همان نام پیشین - یعنی هندی، هندوی و هندوستانی - می‌نامیدند و بعدها چون این زبان بیشتر در اردوگاه‌ها و پایگاه‌های نظامی به کار می‌رفت، آن را اردو نامیدند.

استفاده زبان اردو از زبان فارسی به چند شیوه و روش بوده است:

۱- واژه‌های فارسی که در اردو و فارسی به یک شکل و معنا به کار می‌روند. تعداد این‌گونه واژه‌ها بسیار زیاد است و می‌توان گفت هر کلمه فارسی را می‌توان در اردو به کار برد و همچنین اصطلاحات یا ضرب‌المثلها هم در فارسی و اردو مشترک هستند و نیز واژه‌ها، اصطلاحات و ترکیبهای فارسی باعث تشکیل و گسترش زبان اردو شده‌اند. اگر اردوی ادبی را نگاه کنیم خواهیم دید که غیر از افعال و حروف ربط و اضافه همه کلمات فارسی را در آن می‌توان یافت. نکته شایان توجه دیگر اینکه واژه‌های عربی که در زبان اردو به کار می‌رود، از راه فارسی وارد شده است. لذا اردو زبانان بدون اینکه ریشه عربی آنها را بدانند، آنها را جزو کلمات فارسی می‌شمارند.

۲. واژه‌های فارسی که با حفظ معانی خود (در زبان فارسی) معانی دیگر به خود گرفته و اکنون به هر دو معنای فارسی و اردو استفاده می‌شود. تعداد این‌گونه واژه‌ها

نیز در زبان اردو بسیار زیاد است.

۳. واژه‌ها و اصطلاحات و ترکیباتی که در زبان اردو از کلمات فارسی ساخته شده است و به معنای گوناگون به کار می‌رود.

۴. بعضی از افعال یا مصادر هستند که از افعال و مصادر یا کلمات فارسی مستقیماً ساخته شده است. البته بعضی از آنها در ظاهر گمان می‌رود که شاید از واژه‌های فارسی گرفته شده باشد، اما این نزدیکی از لحاظ هم‌ریشه بودن آنهاست نه از لحاظ مشتق بودن از یکدیگر، مانند آنا (آمدن)، پکانا (پختن) پکنا (پخته شدن)، دینا (دادن)، کرنا (کردن) و...

۵. در زبان اردو ترکیبات و اصطلاحاتی ساخته شده است که یک یا دو جزء آنها فارسی است. این گونه ترکیبات بسیار زیاد، و در واقع زبان اردو با همین ترکیبات ساخته و پرداخته شده است. در این گونه ترکیبات و اصطلاحات، جزء فارسی گاهی معنی اصلی خود را حفظ کرده و گاهی با معانی دگرگون شده به کار می‌رود؛ مانند آب آب کرنا (آب خواستن)، آرام کرنا (استراحت کردن) آرزو و حاصل هونا (به دست آمدن آرزو)

۶. بسیاری از ضرب‌المثل‌های فارسی عیناً در زبان اردو به کار می‌رود و بسیاری دیگر با کلمات فارسی در آن زبان ساخته شده که اگر چه ظاهراً فارسی است در فارسی امروز ایران به کار نمی‌رود. علاوه بر این بعضی از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات با یک مفهوم اما با کلمات مختلف در اردو و فارسی وجود دارد که تعدادشان در هر دو زبان بسیار زیاد است.

به هر حال تأثیر و نقش زبان فارسی در تشکیل زبان اردو فقط به وام‌گیری واژگان و ترکیبات و اصطلاحات و تا حدودی پیوند واژه‌های فارسی با اردو محدود می‌شود و در ساختمان اصلی و دستوری جملات اردو هیچ تأثیری ندارد. زیرا بیشتر افعال اردو از هندی و زبانهای محلی گرفته شده است.

در اصل این مقاله فهرستی از ضرب‌المثل‌های همانند در زبان فارسی و اردو نیز آمده است.